**تبیین حکمت شرور و چگونگی مواجهه با آنها از نگاه شیخ طوسی**

**محسن قیوم زاده\***

**دکتر محمود قیوم زاده\*\***

**مقدمه:**

از موضوعات بسيار مهم و پردامنه در قلمرو فلسفه دين، معضل شرور است که هر کس به گونه‌ای متناسب با وضعیت فکری و عاطفی خویش به آن می‌اندیشد و درباره آن پاسخ‌هایی قابل توجیه و در خور توجه می‌دهند، چراکه این مسئله در جوامع غربی و سکولار به عنوان محکم‎ترین دژ الحاد و خداناباوری تلقی می‌گردد. یکی از حکمایی که نظریات قابل دفاعی در این زمینه مطرح ساخته محمد بن حسن طوسی معروف به شیخ طوسی (متوفی 460 ه.ق) می‌باشد.

در این مقاله اهم تلاش برآنستکه تا تعاریف، انواع و سنخیت شرور و آلام در عالم هستی با تاکید بر دیدگاه شیخ طائف در این حوزه‌ها ارائه گردد، تا مشخص شود که شیخ برای رهایی از این چالش بزرگ از چه رهگذری بهره می‌گیرد.

**کلید واژه:** شیخ طوسی، شرور، آلام، خداناباوری

**\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_**

**\* دانشجوی کارشناسی ارشد کلام اسلامی، دانشگاه تربیت دبیر شهید رجایی**

**\*\*استاد دانشگاه آزاد اسلامی، واحد ساوه maarefteachet@yahoo.com**

**بیان مسئله:**

از قدیم الایام یکی از چالش برانگیزترین و مبهم‌ترین مسائل کلامی که توجه اندیشمندان بسیاری را به خود جلب کرده و آنها را وادار به نوشتن کتب و مجلات مختلفی نموده، تقابل وجودی مسئله شر با خدای عالم و قادر هست که در عصر معاصر عده‌ای از پژوهشگران غربی با برداشتی سطحی و عامیانه از این موضوع به عنوان محکم‌ترین و قطعی‌ترین دلیل بر رد وجود خداوند جمیع صفات متعالی استفاده کرده‌اند تا جایی که از مسئله شر به عنوان پناهگاه الحاد در فلسفه سکولار یاد می‌شود، چرا که یا باید به عدم وجود شر در عالم هستی حکم کنیم که خود از بدیهیات می‌باشد یا باید یکی از صفات قادر مطلق و یا خیرخواه مطلق را از اوصاف الهی کم نماییم زیرا این سه مقدمه نمی توانند در یک مجموعه قرار بگیرند.

حال پاسخگویی به این موضوع می‌تواند محکم ترین و استوار‌ترین دستاویز آنها در این زمینه را متزلزل نماید در حدی که روشن‌سازی منطقی و عقلانی مسئله شر بنیادی‌ترین بهانه‌ی آنها برای الحاد را از بین می‌برد. تلاش‌ها و کوشش‌های حکما و فلاسفه الهی در این زمینه خود بیانگر اهمیت این موضوع است.

در این پژوهش اهم تلاش برآنست که مشخص شود از نظر شیخ طائف سنخیت شر چیست؟ آیا می‌توان با توجه وجود دردها و آلام متعدد در سراسر هستی به وجود خدای دانا، توانا و مهربان حکم کرد؟ شر کدام یک از صفات متعالی الهی را به چالش میکشد؟ به راستی چرا با وجود خداوند عالم، قادر و خیرخواه محض باز هم در جهان شرور موجود می‌باشد؟ آلام به چند دسته تقسیم می‌گردد و کدام قسمت از آن‌ها با صفات الهی متناقض است؟

**معنای شرور**

واژه خیر و شر، کلماتی روشن و فصیحی است که برای درک آن نیاز به تعاریفی متعدد و مفصل ندارد چنانکه بسیاری از حکما و فلاسفه نیز در تعریف آن جز چند خطی ننوشته‌اند، چرا که آدمی از بدو تولد تا هنگام مرگ در معرض انواع آلام و شرور قرار دارد و می‌تواند با تمام وجود این دردهای دنیوی و خیرات را درک و لمس کند، در ادامه به چند تعریف از شرور اشاره می‌کنیم:

ابن سینا در الهیّات شفا خود شرور را اینچنین تعریف می‌کند: خیر فی الجمله چیزی است که هر شیئی به آن اشتیاق و علاقه دارد، و آن وجود یا کمال وجود است، امّا شرّ امر عدمی است، که ذاتی ندارد، بلکه عدم جوهر یا عدم کمالی برای جوهر است. (الهیات شفا، 1388، ج1، ص355)

و تعریفی که ملاصدرا در کتاب الحکمه المتعالیه خود خیرات و شرور ارائه کرده: خیر چیزی است که هر شیئی به آن اشتیاق و میل دارد و با آن سهمی از کمال ممکن خود متحقّق می‌شود، اما در مورد شرّ حکما گفته‌اند که آن ذاتی ندارد. (حکمه متعالیه، 1383، ص58)

شیخ طائف نیز در کتاب التبیان فی التفسیر القرآن در ذیل آیه 55 سوره مومنون همچون اکثر فلاسفه و حکما در مختصر تعریف خود از شرور و آلام، ابتدا خیرات را بیان، و دردها را در تناقض با آنها معرفی می‌کند.

الخیرات المنافع التی یعظمُ شأنها، و نقیضها الشرور. وهی المُضارُ التی یشتد أمرها.(التبیان فی تفسیر القرآن، ج7، ص377)

**انواع شرور:**

به طور کلی از منظر فلاسفه و حکما شرّ را میتوان به سه دسته تقسیم کرد.

شرور طبیعی: آلامی هستند که به ندرت از محیط طبیعی برای آدمی اتفاق می‌افتد؛ یعنی شروری که از طرف طبیعت بر [انسان](http://wikifeqh.ir/انسان" \o "انسان) عارض می‌شوند بلایایی همچون زلزله، سیل، مرگ، [فقر](http://wikifeqh.ir/فقر) و مانند آن‌ها که از خارج، انسان را مورد [تهدید](http://wikifeqh.ir/تهدید) قرار می‌دهند.

شرور اخلاقی: به آلامی گفته میشود که از اختیارات انسانی ناشی می‌گردد و قابل ‌پیش‌گیری می‌باشد مانند: ظلم، قتل، دزدي، شکنجه

شرّ متافیزکی: شرّی است که همه موجودات ممکن و مخلوقات حادث خداوند به آن مبتلا بوده و قابل جدایی از آنان نمی‌باشند و منظور از شرّ متافیزیکی، محدودیّت همه موجودات ممکن در مقابل کمال نامتناهی خداوند است.(نقد برهان ناپذیری وجود خدا، 1388، ص325)

**انواع شرور از نظر شیخ طوسی**:

شیخ طائف شرور و آلام را به دو دسته تقسیم می‌نمایند یکی شرور قبیح و دیگری شرور حسن، شرور قبیح سه علت دارد: الف: چون ظلمی در کار باشد قبیح است. ب: چون باعث مفسده شود قبیح است. پ: چون عبث است قبیح است و اگر غیر از این سه قسم باشد یعنی در شر ظلم، مفسده و عبثی موجود نباشد قبیح نیست بلکه حسن است و از دایره شرور و آلام خارج میگردد هرچند که به ظاهر برای انسان ناخوشایند باشد و آدمی نتواند براساس علم محدود خود حکمتی برای آن‌ها داشته باشد.

همچنین شیخ طوسی در ادامه می‌فرمایند: خداوند دارای صفات متعالی، الم و شری که ظلم و عبث و مفسده باشد را انجام نمی دهد، بلکه الم و شر الاهی به صورت ظاهر شر بوده و در حقیقت منافع فراوانی داشته و مثل هدایا است که خدا صاحب حکمت برای بنده اش، هدیه ای به عنوان بلا می‌فرستد.(الاقتصاد فیما یتعلق بالاعتقاد، 1406ق، ص143)

**سنخیت شرور از دیدگاه شیخ طوسی**

در مبحث درد و آلام ابتدا شیخ طائف به اثبات آن می‌پردازد و می‌فرمایند: حرف زدن در این باره کاری بیهوده و عبث است، چراکه وجود درد و رنج برای تمامی جانداران اعم از حیوانات، انسان‌ها و نباتات ثابت و همه آن را درک می‌نمایند.

ما باید به مسئله خوب یا زشت بودن شرور بپردازیم عده‌ای می‌گویند که همه دردها زشت و قبیح است مانند مجوس و ثنویه و عده‌ای دیگر قائلند که نمی‌توان همه آلام را زشت دانست بلکه قسمتی از آنها نیکو می‎باشد که این گروه نیز به دو دسته تقسیم می‌شوند، گروه نخست مانند تناسخیه و بکریه تنها وجه حسن شرور را استحقاق شخص می‌دانند و گروه دیگر دلایل دیگری به آن اضافه نموده شیخ می‌گوید قبیح بودن شرور در عالم هستی باید شامل یکی از سه دلیل ظلم، عبث و مفسده باشد در غیر این صورت الم‌ها و دردها نیکواند.( الاقتصاد فیما یتعلق بالاعتقاد، 1406ق، ص141-143)

ایشان دلایلی را در عدم انجام فعل شر و قبیح از جانب خداوند در دو کتاب الرسائل العشر و تمهیدالأصول مطرح کرده و می‌فرمایند: اگر خداوند کارهای زشت و ناپسند را اراده نماید، لازمه‌اش این است که آن را دوست داشته باشد و به آن راضی باشد. لازم باطل است، پس ملزوم (خداوند فعل شرور را انجام می‌دهد) نیز باطل است.

همچنین ایشان در تفسر التبیان ذیل آیه «إِنَّ اللَّهَ لَا یَظْلِمُ النَّاسَ شَیْئًا وَلَکِنَّ النَّاسَ أَنْفُسَهُمْ یَظْلِمُونَ » (یونس/44) می‌گویند: خداوند در این آیه خبر داده است که به مردم ظلم نمی کند، ولکن مردم به واسطه کارهای ناپسند، به خود ظلم می‌کنند و مستحق عقاب می‌شوند. این آیه دلیل است بر این که خداوند ظلم نمی کند؛ چون فاعل ظلم، ظالم است و خداوند منزه است از این که ظالم باشد (التبیان فی تفسیر القرآن، ج5، ص383)

بیان ملازمه چنین است که محبت و رضا در واقع همان اراده است که به نحو خاص محقق می‌شود. اراده، محبت، رضا و بغض، در واقع یکی است و فرق آنها اعتباری است. به این معنی که اگر اراده به فعل غیر مرید (فعل غیر اراده کننده) تعلق بگیرد، آن را «اراده» می‌گویند. بعد از تحقق مراد، آن را «رضا» می‌گوید و اگر اراده به منافعی که به غیر می‌رسد تعلق بگیرد، آن را «محبت» می‌گویند و اگر اراده به چیزی که مضر به غیر است تعلق بگیرد، آن را «بغض» می‌گویند. (الرسئل العشر، 1363، ص76) علت بطلان لازم این است که همه متفقند خداوند به کارهای زشت و ناپسند راضی نیست و آن را دوست ندارد؛ چون خودش از کارهای ناپسند منع نموده است. ( تمهید الاصول{فی علم الکلام}، 1394، ص114)

ایشان در ادامه با مخالفت با تناسخیه و بکریه که تنها دلیل وجود شرور برای موجودات را استحقاق شخصی می‌دانستند، می‌فرمایند: الم‌ها و دردها می‌تواند به غیر از دلیل استحقاق باشد و آن این است که الم ها و دردها می تواند نفع بیشتری را برای انسان در پی داشته باشند یا اینکه ضرر بزرگتری را از انسان دفع نماید و اشاره می کند به درد و الم کودکان که مقدمه رسیدن به سودی بیشتر که تنها از این راه امکان پذیر است یا گریز از ضرر بیشتر که در این صورت الم‌ها و دردها حسن و نیکو می‌باشند(تمهید الاصول{فی علم کلام}، 1394، ص 233؛ الاقتصاد فیما یتعلق بالاعتقاد، قرن5ق، ص143)

همچنین ایشان در کتاب التبیان فی تفسیر القرآن دلایل دیگری برای آلام ذکر کرده و می‌فرمایند شرور یا به خاطر لطف الهی است که شامل بندگان مقرب می‌شود یا به دلیل عقاب الهی است که نیجه اعمال آدمی می‌باشد( التبیان فی تفسیر القرآن، ج3، ص266)

در نتیجه از نظر شیخ طائف شرور طبیعی یا به عبارت دیگر شروری که از جانب خداوند بر انسان‌ها نازل می‌گردد اولا این آلام ظاهرا و با دیدی سطحی و دنیوی شر هستند ثانیا این شرور یا به دلیل استحقاق شخصی، یا به دلیل دفع ضرری بزرگ تر یا به خاطر رسیدن به کمالات روحی و معنوی می‌باشد که در هر صورت از دایره قبایح خارج و از دیدی ماوراء طبیعی به دایره نیکی‌ها و حسن‌ها داخل می‌گردد.

**عدمی بودن شرور**

از استوارترین دلائل حکما برای رد شبهه آلام تاکید ایشان بر عدمی بودن شرور است، ریشه این فکر از یونان قدیم می‌باشد که در کتب فلسفه این فکر را به یونانیان قدیم و خصوصا افلاطون نسبت می‌دهند ولی متاخران آن را بیشتر و بهتر تجزیه و تحلیل کرده اند، بحث درباره عدمي ‌بودن شرور بیشتر براي پاسخگویی به اندیشه ثنويّت و دو خدایی، یکی خدای نیکی و دیگری خدای بدی مطرح شده است. البته مقصود از عدمي‌بودن شرور اين نيست که شرّ اصلاً وجود ندارد تا گفته شود اين خلاف ضرورت و واقعیت است توضيح اينکه در نظر متفکران اسلامي، وجود مساوي با خير است و هر آنچیز که لباس هستی را به خود گیرد، از آن جهت که هست و وجود دارد، خير است.( عدل الهی، 1380، ص150)

به عبارت دیگر چيزي که ذاتاً و براي خود هم شرّ باشد نداريم. بلکه شرّ يا نيستي است مانند فقر که فقر همان نبود پول است و خود واقعيت ويژه‌اي ندارد، يا چيزي است که هرچند بذاته و براي خودش خير است، امّا منشأ و موجب فقدان و عدم براي شيء ديگری است. مثلاً نيش عقرب و زهرمار براي خود عقرب و مار خير و وسيله دفاعي آنهاست ولي در مقايسه با انسان، بد است. زیرا موجب هلاکت یا رنجش اوست. (اصول فلسفه و روش رئالیسم، ج6، ص137)

خلاصه امر این اصل، بیانگر آنستکه چون خداوند خیر محض است، نمی‌توانسته شر را آفریده باشد، حال اگر خداوند شر را نیافریده است، پس آلام نمی‌تواند وجود داشته باشد.

شیخ طائف یکی از جمله حکمایی است که از این رهگذر برای توجیه شرور استفاده کرده است، ایشان در کتاب کشف المراد می‌گوید: «ان الوجود خیر و العدم شر و هو خیر محض» (اندیشه‌های کلامی شیخ طوسی، 1381، ج1، ص 77)

شیخ طوسی در کتاب تمهید الاصول خود درباره عدمی بودن آلام می‌فرماید: «دردناکی که خداوند برتر از همه در هر زنده ای پدید آورد - چه آن موجود زنده تکلیف شده باشد یا نشده باشد - آن دردناکی از وجود دست آویزی که همیشه از کار بندگان پدید می آید سرنزده باشد، همانا بر خداوند برتر ازهمه است که آن تاوان را بجای دردناک کردن باید بپردازد، تا تاوان از ستم بودن بیرون برود». (تمهید الاصول{فی علم کلام}، 1394، ص505)

**کتابنامه:**

1-ابن سینا، حسین بن عبدالله (395ه.ش)، الهیات شفا، مترجم: ابراهیم دادجو، تهران، انتشارات امیرکبیر، 1388

2- خامنه‌ای، سید محمد، حکمه المتعالیه ملاصدرا، چاپ اول، ناشر: مؤسسه بنیاد حکمت اسلامی صدرا، 1383

3- طوسی، محمد بن حسن (385ه.ق)، التبیان فی تفسیر القرآن، ناشر: دار إحیاء التراث العربی

4- عسکری اسماعیلی امیری، 1388، نقد برهان ناپذیری وجود خدا، چاپ دوم، ناشر: بوستان کتاب قم

5- طوسی، محمد بن حسن (385ه.ق)، الاقتصاد فیما یتعلق بالاعتقاد، ناشر: دارلأضواء

6- طوسی، محمد بن حسن (385ه.ق)، الرسائل العشر، چاپ دوم، ناشر: الجماعه المدرسین بقم المشرفه، مؤسسه النشر اسلامی 1363

7- طوسی، محمد بن حسن (385ه.ق)، تمهید الاصول {فی علم الکلام}، چاپ اول، ناشر: رائد، 1394

8- مطهري، مرتضي، عدل الهی، تهران، انتشارات صدرا، 1380 هـ ش، چاپ دهم

9- مطهري، مرتضي، اصول فلسفه و روش رئاليسم ، تهران، انتشارات صدرا، 1374 هـ ش، چاپ دوازدهم

10-محمودی یزدی مطلق، فاضل، اندیشه‌های کلامی شیخ طوسی، چاپ اول، ناشر: دانشگاه علوم اسلامی رضوی، 1381

11- طوسی، محمد بن حسن(385 ه.ق)، منتخب التبیان فی تفسیر القرآن، قم، 1376، ناشر: مکتبه آیه الله المرعشی العامله